پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
دورهٔ جدید، سال چهارم، شمارهٔ دوم (پیاپی ١٤)، تابستان ١٣٩١، ص ٢٨-١٥

نقد و بررسی روایات مربوط به نخستین فاتحان آذربایجان تا سال ٤٠ هـ . ق

دکتر اصغر منتظرالقائم*

چکیده

در منابع فتوح و تاریخ های عمومی نام چند نفر به عنوان نخستین فاتحان آذربایجان و اردبیل ذکر شده است. طبق صحیح ترین روایات حُذیفه بن یمان صحابه رسول الله (ص) که یکی از شیعیان نخستین امام علی (ع) بود و با شناخت عمیقی که از اسلام داشت تا هنگام رحلت مدافع راستین امام علی (ع) بود؛ نخستین کسی است که اسلام را با پیمان صلح به آذربایجان و اردبیل آورد و بذر دوستی اهل بیت (ع) را در این شهر پاشید. این مقاله پس از نقد و بررسی روایات مربوط به فاتحان اردبیل و بر گزیدن روایات معتبر، به نقش حذیفه بن یمان در فتوح اسلامی می پردازد و نقش وی را در حرکت فکری و فرهنگی نخستین روزهای ورود اسلام به اردبیل و نقش دیگر حکمرانان این منطقه تا سال چهلم هـ .ق تبیین می کند.

روش تحقیق مقاله، توصیفی - تحلیلی همراه با نقد و بررسی روایات فتوح این منطقه خواهد بود و فرضیه مقاله آن است که حُذیفه بن یمان و دیگر حکمرانان اسلامی، نخستین پیام آور اسلام و دوستی اهل بیت (ع) در آذربایجان و اردبیل بودند و روایات دیگر مربوط به فاتحان این منطقه اخباری غیرمعتبر و غیر موثق است .

واژه‌های کلیدی

اردبیل، تشیع، حُذیفه بن یمان، آذربایجان

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان montazer@ltr.ui.ac.ir

تاریخ وصول: ٩١/٧/١٥ تاریخ پذیرش: ٩١/١٠/٤

درآمد

آذربایجان، ایالت بزرگ ایران، که در فارسی میانه آتورپاتکان، در آثار کهن فارسی آذربایگان و در یونانی آتروپاتِنه (Atropatene) نامیده می‌شد (ارباب خوئی، ۱۳۵۴: ۱/ ۴۸)؛ از چنان اهمیتی برخوردار بود که در متن های فارسی میانه اَدورپادگان (Adurbadegan) با اِیران (Eran) یکی دانسته شده است (شهرستان های ایرانشهر، ۱۳۸۸: ۹۱). نام آذربایجان از نام آتْروپات سردار ماد گرفته شده است که پس از مرگ اسکندر و تقسیم امپراتوری او، آتروپات قسمت شمال غربی سرزمین ماد را در تصرف خود نگاه داشت و آن را به شکل امارت مستقل درآورد. از آن زمان به بعد این ناحیه را به نام او خواندند. در روزگار ساسانیان مرزبان این ایالت شَهَب نام داشت و این مقام در اواخر عصر ساسانی به خاندان فرخ مُرمَزد تعلق داشت (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۱۳).

این ایالت دارای دژهای محکمی بود تا همچون سدی استوار بتواند در برابر هجوم بیگانگانی چون اقوام خزرها ایستادگی کند. سرانجام خزرها در ۶۲۹ م موفق شدند گرجستان و ارمنستان را غارت کنند(زرین کوب، ۱۳۶۴: ۵۲۸). در اواخر دوران ساسانی و در دوران اسلامی قصبه و کرسی آذربایجان، اردبیل بود که بر دامنه کوه سبلان قرار دارد و « اطراف آن را زمین های حاصلخیز کشاورزی فراگرفته است و عسل آن تا امروز بسیار مشهور است. ایرانیان آن را باذان فیروز می‌نامیدند» (یاقوت، بی‌تا: ۱/ ۱۴۵). شهرهای مشهور آذربایجان در اوایل سده ۴ هـ.ق/۱۰م عبارت بودند از : سراب، مراغه، تبریز، اوجان، شیز و تخت سلیمان، دخارقان، مراغه روئین دژ، پسوا (پسوه)، اشنویه، ارومیه، طروج، بردع، سلماس، مرند، نخجوان، جلفا، اهر، خدا آفرین، میانه و خلخال (اصطخری، ۱۳۶۴: ۱۵۵؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۱۸۵–۱۷۰) شایان توجه است « سه ناحیه آذربایجان، اِران و ارمینیه به یکدیگر پیوسته و سوادهایشان به یکدیگر اندر شده است » (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۵۷). مقدسی عنوان مشترک « رحاب » را به این سه سرزمین می‌دهد و می‌نویسد : « من نامی نیافتم که همه خوره‌هایش را در بر گیرد، پس آن را رحاب نامیدم از سرزمین های زیبای اسلام است و دژ مسلمانان در برابر روم به شمار می‌رود من این سرزمین را به سه بخش کردم نخستین آن ها از بالای دریاچه اران است سپس ارمینیه و در پایان آذربایجان (مقدسی، ۱۹۰۶: ۳۷۳).

در زمان ساسانیان شهر شیز یا گنزک در آذربایجان اهمیت بسیار داشت. بنابر مشاهدات و نظر مسعودی شهر شیز پایتخت تابستانی اشکانیان بوده است و آتشکده معروف آذرخش (آذرگُشنَسب) در آن قرار داشت و پادشاهان ایران پس از جلوس بر تخت، برای تعظیم آتشکده پیاده به شیز می‌رفتند و بدانجا نذرها می‌کردند. در آن آثاری شگفت از بنا و تصویر با رنگ‌های جالب از صورت افلاک و نجوم و جهان از خشکی و دریا و آبادی و معدن و ویرانه و گیاه و حیوان و عجایب دیگر برجاست (مسعودی، ۱۳۶۵: ۸۹).

بنابر روایات منابع فتوح، پایتخت آذربایجان هنگام فتوح این منطقه شهر اردبیل بود و مرزبان آذربایجان در آن شهر ساکن بود (بلاذری، ۱۳۹۸: ۳۲۲). به نظر می‌رسد شهر اردبیل پایتخت اداری و شیز پایتخت فرهنگی و معنوی ایران بود. آن‌گونه که چندین نفر از پادشاهان ساسانی همچون وهرام پنجم و خسرو اول و دوم هدایای بسیاری به این آتشکده هدیه دادند (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۹۰). ولی عظمت شیز دیری نپایید و سرانجام هراکلیوس در سال ۶۲۳ م این شهر را تصرف کرد و آتشکده بزرگ آذرگشنسب را ویران و

گنجینه‌های آن را غارت کرد (کریستن سن، ۱۳٦۷: ٤٦۸ و ۱۸۹). هم اکنون خرابه‌های آن به نام تخت سلیمان در میان تکاب و شاهین دژ وجود دارد.

اردبیل مرکز آذربایجان تا سال ٦۱۷ هـ.ق که جغرافیدانی به نام یاقوت از آن بازدید کرده است شهر پهناور، بسیار بزرگ، پرجمعیت، آباد و دارای چندین رودخانه بوده است (یاقوت، بی‌تا: ۱/ ۱٤٥). در ایلغارهای مغول به باد غارت رفت و ویران گردید و مراغه کرسی آذربایجان گردید (لسترنج، ۱۳۷۳: ۱۷۱) اردبیل دوباره در قرن هشتم آبادانی خود را بازیافت (مستوفی، ۱۳٦۲: ۸۱). در این دوران بر اثر رونق خانقاه شیخ صفی الدین و خاندانش، رونق گذشته را بازیافت و در آغاز سلسله نوبنیاد صفویه پیش از تبریز و قزوین و اصفهان مدتی پایتخت گردید.

اهمیت آذربایجان از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از پیش از اسلام تا قرن هفتم هـ.ق، موجب توجه بیشتر مسلمانان به این منطقه شد.

فتوحات مسلمانان در ایران

مسلمانان از روزگار خلیفه اول (۱۱ تا۱۳هـ.ق) فتوحات اسلامی را آغاز کردند. عواملی نظیر دعوت به جهاد، گسترش اسلام نجات مردم تحت ستم امپراتوری ساسانی از مژده فتح سرزمین های بیرون از شبه جزیره عربی به وسیله رسول الله (ص)، کاهش معضلات اجتماعی اعراب و کسب منابع اقتصادی، زمینه ساز فتح سرزمین ایران بود. مسلمانان در دوره خلیفه دوم در سال پانزده هـ.ق در قادسیه بر سپاه ساسانی فائق آمدند در سال ۱٦ هـ.ق /٦۳۷ م مدائن پایتخت دولت ساسانی با پیمان صلح به دست مسلمانان افتاد و بزرگان و مرزبانان ایرانی شهر، به نزد سلمان آمدند و مسلمان شدند و به پیروی از آنان هزاران نفر از مردم پایتخت اسلام آوردند (واقدی، ۱٤۰۹ق: ۲/ ۲۰٤). در سال ۲۱ هـ.ق/٦٤۲م مسلمانان به فرماندهی نعمان بن مقرن در محل نهاوند با لشکر ساسانی روبرو شدند. در گرماگرم پیکار هر دو فرمانده ایرانی و عرب کشته شدند. فرماندهی مسلمانان را حُذیفه بن یمان برعهده گرفت تا مسلمانان به پیروزی دست یافتند. حذیفه با یکی از بزرگان نهاوند صلح کرد و مسلمانان وارد شهر شدند. این پیروزی را مسلمانان فتح الفتوح نامیدند (طبری، بی تا: ۳ / ۲۰٤ و۲۱۹).

ضعف و انحطاط سیاسی، اختلاف درونی و سستی و خمودی داخلیِ دولت ساسانی موجب شد هر اسپاهبد یا مرزبانی، ایالت خود را به منزله اقطاع و ملک موروثی خود می پندارد و خود را از ملوک الطوایف کهن بر شمارد. به ویژه پس از آن که خاندان ساسانی به انحطاط کامل افتاد، این تصور قوت گرفت. (کریستن سن، ۱۳٦۷: ۳۵۸) منطقه آذربایجان و قفقاز نیز از این امر مستثنی نبود و یک مرزبان به صورت مستقل آذربایجان را درهنگام فتوحات مسلمانان، اداره می‌کرد.

فتح آذربایجان

خلیفه دوم هنگام مشورت با هرمزان، فرمانده اسیر سپاه ساسانی در خوزستان، به اهمیت آذربایجان به عنوان یکی از بال های ایران پی برد (خلیفه بن خیاط، ۱٤۱٤ق؛ ۱۰۵، ابونعیم اصفهانی، ۱٤۱۰ق: ۱/ ٤۲). وی پس از فتح الفتوح طی نامه ای، حذیفه بن یمان صحابه رسول الله (ص) را مامور فتح آذربایجان کرد (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۱). به نظر می رسد اهمیت این منطقه و اخبار حملات قوم خزران به آذربایجان درباره این تصمیم بی‌تأثیر نبوده است. کمبود اطلاعات منابع و اخبار پراکنده و عدم نظم تاریخی آنها، محقق را در توصیف کامل رویدادها با مشکلات و موانع بسیاری

روبرو می سازد. منابع فتوح آذربایجان و قفقاز، اطلاعات کمی از اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منطقه هنگام فتوحِ به دست می‌دهند. علاوه بر این اخبار عملیات نظامی مسلمانان در آذربایجان و قفقاز، متناقض و آشفته و گاهی ملهم از افسانه‌سرایی و اغراق گویی و گاهی با اکاذیب همراه است به گونه‌ای که خواننده را گمراه و سردرگم می کند.

نقد و بررسی اخبار طبری درباره فتح آذربایجان

درمیان روایات گوناگون فتح آذربایجان، بیشتر مورخان، خبری را که طبری از قول سیف بن عمر تمیمی درباره فتح آذربایجان نقل می کند مورد تأکید قرار می‌دهند. این روایت چنین است :«هنگامی که نعیم بن مقرن برای بار دوم همدان را گشود به سوی ری رفت خلیفه دوم به او نوشت که سَمّاک بن خرشه انصاری را به کمکِ بکیر بن عبدالله به آذربایجان بفرستد. وی نیز دستور خلیفه را تا فتح ری به تأخیر انداخت وسپس بکیر را به آن سرزمین اعزام کرد. وی هنگامی که به جرمیدان رسید با اسفندیار پسر فرخزاد تلاقی کرد و او را به اسارت گرفت و این نخستین پیکاری بود که بکیر در آذربایجان داشت در این هنگام خود سماک از ری به کمک بکیر آمد و نواحی مجاور را بگشود وعُتبه بن فَرْقَد نیز نواحی اطراف را فتح کرد. پس از آن به دستور خلیفه، عتبه بن فرقد را به جای خود گمارد و به سوی باب پیش روی کرد. سپس خلیفه دوم همه آذربایجان را به عتبه واگذار کرد. بهرام پسر دیگر فرخزاد راه عتبه را گرفت و با سپاه خویش به پیکار وی شتافت ولی شکست خورد و متواری گردید و ناگزیر شد تا با عتبه صلح کند و از این پس آذربایجان آرام گردید و عتبه پیمان صلحی با مردم این منطقه ببست وخمس غنایم را برای عمر بفرستاد» (طبری، بی‌تا: ۳ / ۲۳۵). این روایت دارای مشکلات بسیار در سند و متن است.

الف) نقد سند خبر فتح آذربایجان

این خبر را طبری از سری بن یحیی از شعیب از قول سیف نقل کرده است ولی سیف اشاره‌ای به راویان خود نکرده است.

۱- در اصطلاح این روایت از مصادیق دروغ عمدی و در سند دارای تصحیف است و اسناد آن ناقص و جزو روایات غریب است. به نظر می رسد سیف بن عمر این روایت را با هنرمندی تمام ساخته است ولی همان گونه که از متن روشن می گردد مشحون از ناهماهنگی و آشفتگی در ترتیب وقوع حوادث، سال و مکان وقوع است که ادله آن در نقد متن خبر خواهد آمد.

۲- شخصیت سیف از سوی دانشمندان علم رجال همچون یحیی بن معین، ابوحاتم سجستانی، ابوداود، نسایی و حاکم نیشابوری مورد تردید قرار گرفته است و او را از سازندگان اخبار و روایاتش را فاقد ارزش و ضعیف دانسته‌اند (ذهبی،١٤١٤: ١١/ ١٦٢). سیف اخبار خرافی بسیاری نقل کرده است که برخی از آ ن ها عبارت است از: همچون سخن گفتن گاو (طبری، بی‌تا: ٣/ ١٤)، روی آب راه رفتن مسلمانان همچون راه رفتن بر روی شن و ماسه و سپس جزیره دارین را فتح کردن(طبری، ٥٢٦/٢)، نسبت دادن وجود شیطانی به اسود عنسی، پیامبر دروغگو (طبری، بی‌تا: ٢/ ٤٦٨)، طلب باران کردن ترکان بلنجر از جنازه به خاک سپرده نشده عبدالرحمن بن ربیعه (طبری، بی‌تا: ٣/ ٣٥١) و اغراق گویی در شمار سپاهیان و ذکر آمارهای کذب از کشتگان قوای ساسانی در جنگ با خالدبن ولید.از جمله درباره پیکار الیس در حوالی منطقه انبار عراق می‌نویسد : « هفتاد هزار نفر از مردم این منطقه به دست سپاهیان خالد کشته شدند» (طبری، بی‌تا: ٢/ ٥٦٢). در

حالی که روشن است که این آمار دروغین است و یک پادگان مرزی گنجایش چنین نیرویی را نداشته است و گرنه در مقابل اعراب مقاومت می کردند و اعراب را متواری می کردند و دولت ساسانی را از فرجام حادثات نجات می دادند . منابع دیگر هم از پیمان صلح مردم الیس با خالد سخن گفته‌اند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۲٤٤). در این صورت پیکارهای خونین و کشتارهای هزاران نفوس و سیلاب های خون در اخبار سیف که طبری آنها را نقل کرده است، همه غیرمعتبر و بی پایه است و صبغه روایات ایام العرب دارد.

۳- سیف بن عمر در تنظیم وقایع، حوادث را چنان پردازش کرده که گویا خواننده در فضای داستان ایام العرب پیش از اسلام قرار دارد و با همان لحن و آهنگ داستان فتوح را پردازش می کند از آن جمله واقعه پیکار قادسیه است که روزهای جنگ را همچون داستان ایام تحت عنوان یوم ارماث یوم اغواث یوم عماس و لیلۀ القادسیه تدوین کرده است (طبری، بی‌تا: ۳/ ٦۸ – ٤۲) . این قصه پردازی ها تنها بخش کوچکی از اخبار دروغین سیف است که طبری در تاریخ خود آنها را نقل کرده است. از دیگر روایات دروغین سیف بن عمر که به قصد تخریب امامت الهی امام علی علیه السلام ساخته است، داستان خیالی عبدالله بن سبا است .وی در این مورد می‌نویسد: عبدالله بن سبای یهودی در حدود سال ۳۱ هـ .ق/٦۵۱ م اسلام آورد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۳۷۸) و هسته‌های شورش را علیه عثمان در بصره، کوفه و مصر به وجود آورد و نخستین کسی بود که مردم را به وصایت علی بن ابیطالب دعوت کرد و خلفا را غاصب معرفی کرد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۳۷۸). در حالی که تحقیقات جدید مستشرقان خلاف این را اثبات می کند. برنارد لوئیس می‌نویسد: «ولهوزن و فرید لیندز پس از تحقیق انتقادی در مآخذ نشان داده‌اند که توطئه و دعوتی که به ابن سبا نسبت داده شده، آفریده متأخران است و کایتانی در فصلی روشن می‌کند که توطئه‌ای با این اندیشه و سازمان، در دنیای عرب سال ۳۵ هـ .ق که دارای نظام قبیله‌ای پدرسالاری است باورکردنی نیست» (لوئیس، ۱۳۷۰: ٦۵). محققان اهل سنت (طه حسین، ۱۳٦۳: ۱٤۰) و دانشمندان شیعه (عسکری، ۱۳٦۲: ٦۰) نیز نشان می‌دهند دعوتی را که سیف به عبدالله بن سبأ نسبت داده، به قصد دشمنی با اهل بیت و شیعیان بوده است و از قصه پردازی های دروغین وی است. در حالی که رسول الله(ص) در حادثه یوم الانذار دین و سیاست را همراه کرد و درباره علی علیه السلام فرمود: «ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعو اله و اطیعوا» (طبری، بی‌تا: ۲/ ٦۳) این برادر و وصی وخلیفه من درمیان شماست، از او فرمان برید و به گفته وی گوش فرا دهید.

ب) نقد متن خبر سیف درباره فتح آذربایجان

روایت سیف که تنها برای نخستین بار در تاریخ طبری آمده، دارای اشکالات متنی زیر است:

۱- در منابع دیگر فتوح، متن خبر سیف وجود ندارد و همین موجب تردید بیشتر درآن است.

۲- نام بردن ناگهانی از بکیر بن عبدالله، فرمانده آذربایجان، بدون اینکه از سوی خلیفه یا حاکم کوفه تعیین شده باشد.

۳- در نقل سیف آمده است که :«خلیفه به نُعیم بن مقرّن دستور داد که یکی از فرماندهان خود را به نام سمّاک بن خَرَشه انصاری در هنگام محاصره ری به کمک بکیر بن عبدالله بفرستد.» این خبر غیر محتمل است زیرا بعید است خلیفه در هنگام درگیری مسلمانان با اهالی ری، چنین فرمانی صادر کند که نُعیم ناگزیر گردد تا هنگام فتح ری فرمان خلیفه را به تأخیر اندازد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۲۳٤).

٤- در میان صحابه رسول خدا (ص) یک نفر سَمّاک

بن خرشه انصاری معروف به ابودجانه شخص دیگری وجود دارد که وی نیز در نبرد یمامه در سال ۱۲ هـ.ق شهید شد (ابن سعد، بی‌تا: ۳/ ٥٥٦) و جز از ابودجانه در میان صحابه و تابعین وجود خارجی ندارد. بکیر بن عبدالله و عُتبه بن فرقد لیثی فرماندهان سپاه مسلمانان نیز شخصیتی مجهول دارند و در منابع پیش از طبری از آنان نامی برده نشده است.

۵- به نظر می رسد سیف بن عمر، عُتبه بن فرقد لیثی را به جای عُتبه بن فَرقد سلمی صحابه رسول خدا (ص) که جانشین حُذیفه بن یمان گردید (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۲) قرار داده است.

٦- طبری از قول سیف از عهدنامه عُتبه بن فَرقد با مردم آذربایجان یاد می کند که سَماک بن خِرشه و بُکیر بن عبدالله لیثی را بر آن شاهد گرفت و تاریخ آن سال ۱۸ هـ.ق است (طبری، بی‌تا: ۳/ ۲۳۵). به وضوح روشن است که در این سال مسلمانان هنوز در شرق عراق مشغول فتوحات بودند و وارد سرزمین های غرب ایران نشده بودند چه برسد به اینکه به آذربایجان رسیده باشند. طبری در جای دیگری نیز فتح آذربایجان را به سال ۲۲هـ.ق/٦٤٣ م آورده است.

با بررسی روایات فتوح در تاریخ طبری روشن می‌گردد. که حجم استفاده طبری از روایات سیف بن عمر درباره جنگ های رِدّه و فتوحات و حدود ۵۵۰ روایت است. بدین سان حجم گسترده‌ای از روایات سیف، اخبار فتوح طبری را تشکیل می‌دهد که سیف، بسیاری از قهرمانان، مکان ها، آمارهای دروغین، افسانه‌ها و حوادث ساختگی را با این روایات وارد تاریخ کرده است. به نظر می‌رسد قصد سیف از ساختن این روایات، مهیج نشان دادن فتوح و بزرگ نمایی فداکاری های قبیله خود یعنی بنی تمیم که بیشترین نیرو را در فتح ایران داشتند، بوده است و طبری به صرف اعتماد به سری بن یحیی به روایات سیف نیز اعتماد کرده،آنها را بدون بررسی سندی در کتاب خود آورده است.

با بررسی روایات می‌توان به این نتیجه رسید که فاتح واقعی آذربایجان حُذیفه بن یمان است و خلیفه دوم پس از فتح الفتوح، سپاهی را به فرماندهی عروه بن زید خیل طائی برای تصرف ری و جَریر بن عبدالله بَجلی را برای فتح هَمَدان فرستاد و لشکری را به فرماندهی حُذیفه بن یمان، صحابه رسول خدا (ص)، مامور فتح آذربایجان کرد. هنگامی که خبر حمله مسلمان به مرزبان اردبیل رسید، وی نیروهای نظامی خود را از مناطق با جروان، میمند، میانه، سراه و شیز فراهم آورد و چند روزی با سپاه حُذیفه جنگید ولی هنگامی که مقاومت را بیهوده دید، با حذیفه پیمان صلح بست و مقررشد سالیانه هشتصد هزار درهم خراج بپردازند و مسلمانان کسی را نکشند و اسیر نگیرند و آتشکده‌ها را خراب نکنند و متعرض کردهای بلاسمان و سبلان و ساترودان نگردند و مانع انجام مراسم مردم شیز و جشن‌های زرتشتی‌ها در آتشکده بزرگ آنان نیز نگردند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۱). ذکر نام آتشکده شیز در این پیمان‌نامه نشان از اهمیت این شهر از نظر دین زردشت دارد و از سوی دیگر احترام مسلمانان را به معابد و مراسم زردشتیان نشان می‌دهد.

این روایت را می‌توان به لحاظ سند و متن، معتبر دانست زیرا:

۱- سند این روایت: بلاذری از دو نفر از مشایخ اردبیلی خودیعنی حسین بن عمرو اردبیلی و واقد اردبیلی، از روایان محلی آگاه به اخبار منطقه، خبر فتح آذربایجان را به وسیله حذیفه نقل کرده است.

۲- متن روایت بلاذری متوازن، هماهنگ و معقول است و مطالب اغراق آمیز و افسانه مانند در آن راه ندارد. در روایت بلاذری سال فتح آذربایجان نیامده

است ولی می‌توان حدس زد در اواخر سال ۲۲ یا اوایل سال ۲۳ هـ .ق است.

۳-روایت بلاذری با روایت مدائنی، فتوح نگارِ بزرگِ دیگر مکتب کوفه (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۲) و با روایت واقدی و ابومعشر مدنی که سال فتح آذربایجان را سال ۲۲هـ .ق نگاشته‌اند، مطابقت و هماهنگی دارد (طبری، بی‌تا: ۳/ ۲۲۸).

٤-پیش از بلاذری، خلیفه بن خیاط نیز می‌نویسد:«حذیفه بن یمان با مردم آذربایجان در سال ۲۲هـ .ق/ ٦٤٣ م پیمان صلح بست» (خلیفه بن خیاط، ١٤١٤ق: ١٠٨).

٥- به نظر می رسد حذف نام حذیفه از سوی سیف بن عمر به دلیل دشمنی وی با امام علی (ع) و شیعیان آن حضرت است، زیرا حذیفه از اصحاب خاص رسول الله (ص) و صاحب سرّ آن حضرت بود (عسقلانی، ۱۳۲۸ق: ۱/ ۳۱۷). هنگامی که رسول الله (ص) عقد اخوات میان مسلمانان بست، بین حذیفه و عمار بن یاسر پیمان برادری بسته شد (ابن‌سعد، بی‌تا: ۳/ ۲۵۰) وی در بدر و اُحد و دیگر غزوات حضور داشت. در جنگ خندق نیز در شب سرد و طوفانی پایانی نبرد از سوی رسول الله (ص) مامور کسب خبر از درون سپاه مشرکین گردید (ابن هشام، ۱۳۷۵ق: ۲/ ۲۳۳). در بازگشت از تبوک به دستور رسول خدا (ص) حذیفه، منافقانی را که قصد کشتن رسول الله (ص) داشتند، دنبال کرد و آنان را فراری داد (واقدی، ١٤٠٩ق: ۳/ ١٤٣). لذا او در میان صحابه به منافق شناس مشهور بود ولی به سفارش رسول خدا (ص) برای همیشه از افشای نام آنان خودداری کرد. در جریان عقد اخوت، رسول الله(ص)میان عَمّار وحُذیفه عقد اخوت خواند (ابن سعد، بی‌تا: ۳/ ۲۵۰). وی از سوی خلیفه دوم مامور مساحی زمین های اطراف دجله و ساکن کوفه بود (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ٢٦٩). وی در دوران خلیفه دوم وسوم نیز مدتی فرماندار مدائن بود (ابن الاثیر، ١٣٨٤ق: ١/ ١٤٣).

حُذیفه پس از رحلت رسول خدا (ص) از یاران امام علی (ع) بود و در تجمع دوستداران اهل بیت و معترضان به خلیفه در بنی بیاضه حضور داشت (جوهری، بی‌تا: ٤٦). برخی از منابع حذیفه را پس از ارکان اربعه شیعه؛ سلمان، ابوذر، عمار و مقداد از شیعیان راستین امام علی (ع) دانسته‌اند (شیخ طوسی، ١٤١٥ق: ١١ و٣٦). حتی وی را از ارکان و سابقین صحابه و شیعه امیرالمومنین دانسته‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۲: ۷۸/ ۱۰۷) . وی در آغاز بیعت امام علی (ع) در کوفه به مردم گفت: «از خدا بترسید و علی را یاری کنید که به خدا از اول تا آخر بر حق است و پس از پیامبرتان از همه کسانی که رفته‌اند و تا روز قیامت خواهند بود، بهتر است.» حذیفه از مردم برای امام علی (ع) بیعت گرفت و به دو پسر خود صفوان و سعد وصیت کرد: «بکوشید تا در حضور امام علی(ع) شهادت یابید که به خدا او بر حق است و هر که مخالفت او کند بر باطل است» (مسعودی، بی‌تا: ۲/ ۳۹٤). سرانجام حذیفه در آغاز سال ٣٦ هـ .ق در مدائن از دنیا رفت (خطیب بغدادی،۱۳۹۱:۱/۱٦۲). بدین سان تربیت دینی و اخلاقی حذیفه و آشنایی او با معارف اسلامی و رفتار مسالمت آمیز وی موجب شد تا مناطق تحت تصرف خود را به خوبی اداره کند و با تبلیغات وی گروه‌هایی از مردم آذربایجان اسلام آورند.

شایان توجه است که بلاذری روایتی را از قول واقدی نقل می کند که مغیره بن شعبه به جنگ آذربایجان را گشود و در روایتی دیگر از هشام کلبی از قول ابومخنف نقل می کند که مغیره در سال ۲۰ هـ .ق/٦٤٢ م آذربایجان را به صلح فتح کرد و دوباره کافر شدند و اشعث بن قیس پس فتح قلعه باجروان با مردم آن منطقه به همان صلح مغیره پیمان بست (بلاذری،

۱۳۹۸ق: ۳۲۲). به خوبی روشن است که این روایت مورد توجه بلاذری نبوده است زیرا بر روایت اول تاکید می کند و آن را در آغاز فتح این منطقه می نگارد. این روایت محل اشکال نیز هست. نخست آنکه در آن سال مسلمانان چگونه می‌توانستند بدون شکست سپاه بزرگ ساسانی در نهاوند، یکسره به آذربایجان بروند؟ دیگر آنکه مغیره در این سال حکمران کوفه نبود و در سال ۲۲ هـ .ق پس ازعزل عُمَار به حکمرانی کوفه منصوب شد و در این هنگام مغیره نمی‌توانسته است در آذربایجان باشد. (یعقوبی، ١٣٥٦: ٢/ ٤٣) سومین دلیل آن است که فرماندران کوفه و بصره افرادی را به جای خود به فتح دارالکفر می فرستادند و خودشان به اداره سرزمین های حوزه حکمرانی خود می پرداختند.

مرحله دوم فتوحات مسلمانان در آذربایجان

حُذیفه نزدیک به یک سال حکمران آذربایجان بود تا اینکه از سوی خلیفه دوم عزل شد و فرمانده سپاه موصل عُتبه بن فَرقد سلمی به جای وی منصوب گردید. در سال ۲۵ هـ .ق عثمان، خلیفه سوم، عتبه بن فرقد سلمی را از آذربایجان عزل کرد.احتمالا عزل صحابه با کفایت ورفتار ناپسند والی جدید موجب آشفتگی اوضاع گردید و مردم نقض عهد کردند لذا ولید بن عقبه اموی فرماندار کوفه به آذربایجان لشکر کشید و اهل آن دیار بر همان پیمان حذیفه با وی صلح کردند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲۳). ولید هنگامی که به کوفه بازگشت اشعث بن قیس کِندی یکی از اشراف یمنی همراه خود را بر ولایت آذربایجان گماشت ولی مدتی بعد دوباره اهالی به دلیل رفتار غیر منصفانه و اشرافی و سخت گیری وی در گرفتن خراج، عهد خود را شکستند. بار دیگر اشعث، موفق شد با سپاه کمکی از کوفه، اهالی را به پیمان صلح گذشته خود، بازگرداند (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ٣٢٤). اشعث که شاهد شورش مردم بود و از تجربه سیاسی و حکمرانی در سرزمین ابا اجدادی خود بر حضرموت برخوردار بود (ابن شَبّه، ١٤١٠ق: ج٢/ ٥٤٢)، برای جلوگیری از شورش های احتمالی دیگر و استقرار اسلام در این منطقه، اعراب را در شهرها سکونت داد و مردم را به اسلام دعوت کرد (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ٣٢٤). در پی سکونت اعراب و تأسیس مسجد جامع برای نماز جمعه و تبلیغات اسلامی، مردم به مرور با اسلام و تعالیم آن آشنا شدند. شکست حصارهای طبقاتی، اعطای آزادی اجتماعی و دینی به زرتشتی ها و فقدان امتیازات طبقاتی در اسلام، در میزان گرویدن بومی ها به اسلام موثر بود. همکاری دهقانان با مسلمانان در اخذ خراج و جزیه و تأمین امنیت اجتماعی و رعایت حقوق اهل کتاب و پا برجا بودن شبکه آتشگاه‌ها، موجبات تسریع اسلام آوردن زرتشتی ها شد.

بر خلاف نوشته بلاذری که انتصاب اشعث را بر آذربایجان در عهد امام علی علیه السلام نوشته است، منابع دیگر (ابن الاثیر، ١٣٨٤: ١/ ٩٨) تاکید دارند که وی در روزگار خلیفه سوم بر آذربایجان منصوب شد. زیرا اشعث در آغاز خلافت امام علی (ع) والی آذربایجان بود و در بیعت با آن حضرت تعلل کرد. امام علی (ع) نیز به واسطه رفتار ناشایست وی، در توبیخش چنین او نامه‌ای نوشتند: «همانا پست فرمانداری برای تو شکار نیست بلکه امانتی در گردن توست. باید از پیشوای خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموال خداوند است که تو خزانه دار آن هستی تا آنها را به من بسپاری» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: نامه ۵). از متن ابن اعثم کوفی روشن می گردد، اشعث در حمکرانی خود دارای اشتباهاتی بوده، تصرفاتی در اموال عمومی داشته است و اخبار آن به امام علی (ع) رسیده بود و آن حضرت به

وی هشدار داده، از وی خواسته است که نامه وی را برای مردم بخواند و از آنان بیعت بگیرد. سفیر امام علی علیه السلام زیاد بن مَرحَب هَمدانی پس از ورود به اردبیل، نامه آن حضرت را در مسجد جامع برای مردم خواند و طی خطبه‌ای از مردم تقاضا کرد تا بیعت خویش را اعلام کنند. مردم نیز اطاعت کردند و اشعث ویارانش نیز بیعت خود را اعلام نمودند. اشعث هنگامی که به خانه باز گشت، قصد پیوستن به معاویه را در سر می پروراند زیرا بیم آن داشت که امیر مومنان علیه السلام از وی حسابرسی کند ولی نزدیکانش او را از این کار منع کردند (ابن اعثم، بی‌تا: ۲/ ۳٦۸). به وضوح روشن است که امام علی علیه السلام نمی‌توانست اشرافی خیانتکار به اموال عمومی و ستمگر را بر حکمرانی باقی گذارد. اشعث نمی‌توانست آرمان ها واهداف آن حضرت را درباره عدالت اجتماعی پیاده کند و مزه بذل و بخشش های عثمان که سالیانه یکصد هزار درهم به وی می‌بخشید (ثقفی کوفی، ۱٤۷۹ق: ۲٤۸)، هنوز زیر دندانش بود. امام علی علیه السلام پس از عزل اشعث از استانداری آذربایجان، عبدالله بن شُمَیل اَحمَسی را بر جای وی گمارد ولی پس از مدتی قیس بن سعد بن عباده خزرجی از بزرگان انصار و شجاعان یاران خود را بر حکمرانی آذربایجان منصوب کرد (یعقوبی، ۱۳٥٦: ۲/ ۱۱٥). قیس پیش از آن، فرماندار مصر بود و در جنگ صفین شرکت داشت. وی از هواداران سرسخت اهل بیت بود و در جریان وقایع پس از رحلت رسول الله (ص) همواره از امام علی (ع) وامام حسن (ع)حمایت کرد. پس از آنکه پدرش به وی گفت که «پذیرفتن ولایت علی (ع) واجب بود». در جواب گفت: «تو خودت این سخن را از رسول الله (ص) شنیدی و داعیه خلافت نمودی و یارانت گفتند **از ما یک امیر و از شما هم یک امیر**، به خدا سوگند هرگز با تو سخن نخواهم گفت» (ابن ابی الحدید، ۱٤۰٤ق: ٦/ ٤). قیس یکی از شیعیان شجاع و مدیری شایسته و دارای تجربه سیاسی در عصر خلافت امام علی (ع) بود و مصر را بر خلاف توطئه‌های معاویه به خوبی اداره کرده بود (ثقفی کوفی، ۱٤۰۷ق: ۱۲۷).

امام علی علیه السلام پس از انتصاب قیس بر آذربایجان طی نامه‌ای وی را به رفتار پسندیده و اجرای عدالت توصیه فرمودند و به او نوشتند: «بر جمع آوری خراجت به حق روی آور و با سپاهیانت به عدل و نیکی رفتار کن و از آنچه خدا به تو آموخته است به کسانی که نزد تو هستند بیاموز و از مردم روی پنهان مدار و در خانه ات را باز کن و قصد انجام حق می دار و هوای نفس را پیروی نکن» (یعقوبی، ۱۳٥٦: ۲/ ۱۱٥). انتصاب قیس بن سعد بر آذربایجان و سفارش‌های آن حضرت به وی در جمع آوری منصفانه خراج و آموزش معارف و احکام اسلامی و ارتباط تنگاتنگ با مردم، نشان از توجه آن حضرت به مردم این منطقه دارد. به همین سبب چنین نیک رفتاری با مردم نومسلمان منطقه و اهل کتاب، در گرایش آنان به اسلام و دوستی با اهل بیت تاثیر فراوان داشت. برخلاف نظر برخی محققان که می‌نویسند:«مردم آذربایجان به آسانی زبون دشمن نگشته‌اند و پس از خونریزی‌های بسیار بود که یوغ بندگی تازیکان را به گردن گرفتند» (کسروی، ۱۳۳٥: ۱٤۱) نگاهی دوباره به حضور حُذیفه و مفاد پیمان صلح با مردم آذربایجان وسفارش های آن حضرت به اشعث بن قیس وقیس بن سعد، غیر علمی بودن چنین نظری را بر ما روشن می‌نماید. گزارش بلاذری که خود یک مورخ ایرانی است، پیشرفت سریع اسلام را در این منطقه بیان می‌کند. وی می‌نویسد:« وقتی اشعث به آذربایجان آمد، دید بیشتر مردم این منطقه اسلام آورده‌اند و قرآن می‌خوانند، اعراب را در اردبیل سکونت داد و آن شهر

را محله بندی کرد و مسجد جامع را بساخت و بار دیگر بر وسعت آن افزود» (بلاذری، ۱۳۹۸ق: ۳۲٤). اسکان و تثبیت موقعیت مسلمانان و تأسیس و گسترش مجدد مسجد جامع در اردبیل، پیشرفت سریع اسلام و افزایش مسلمانان را در این منطقه بر ما روشن می‌سازد. بدین سان فعالیت های تبلیغی و عدالت خواهانه دو نفر از صحابه و شیعیان سرسخت و حامیان برجسته امیرمؤمنان علیه السلام در آذربایجان موجب نفوذ آرام و تدریجی اسلام و دوستی اهل بیت در آذربایجان فراهم شد و پایه تشیع به وسیله آن دونفر در این منطقه بنیان گرفت و از آن پس همواره مردم آذربایجان در دوستی اهل بیت پایدار بودند به سانی که در قیام مختار وی را همراهی کردند و اموال فراوانی از آذربایجان برای وی به کوفه فرستادند (دینوری، ١٣٦٤: ٣٤٣). در آینده نیز برخی از یاران امامان شیعه از این منطقه بر خاستند، از آن جمله : ابوحامد احمد بن ابراهیم مراغی (طوسی، ١٤١٥ق: ٣٩٧) و قاسم بن علاء آذربایجانی(قزوینی، ١٤١٣ق: ١٩٢) از یاران امام عسگری (ع) بودند.

نتیجه

از آنچه گفته شد روشن می گردد روایت فتح آذربایجان به وسیله حُذیفه، خبری معقول و متوازن و از نظر سند و متن خبری موثق است و اخبار سیف در این باره از نظر سند ومتن بی اساس و غیر واقعی است. حُذیفه شناخت عمیقی نسبت به اسلام داشت و از هواداران سرسخت اهل بیت بود. اسلام به صورت مسالمت آمیز و با پیمان صلح به وسیله وی وارد آذربایجان و اردبیل گردید و مردم این دیار به آرامی با رضا و رغبت اسلام آوردند. مدیریت شایسته و عملکرد انسانی و مطابق با موازین اسلامی از سوی حُذیفه چنان بود که از سوی مردم منطقه در آغاز هیچ گونه مقاومتی در برابر اسلام نشان ندادند، ولی در دوره خلافت عثمان وتهاجم ولید واشعث که نماد عصبیت و اشرافیت عربی بودند و ظاهراً رفتار اسلامی مناسبی با مردم منطقه نداشتند، مخالفت هایی در این منطقه صورت گرفت که با قوای نظامی کمکی ارسالی از کوفه آرام گردید. با حضور قیس بن سعد که از شیعیان سلحشور و شجاع امام علی علیه السلام بود وسفارش آن حضرت مبنی بر اجرای عدل و رفتار نیک درباره مردم آذربایجان، اسلام به آرامی گسترش یافت و بذر هواداری اهل بیت و تشیع در آذربایجان پاشیده شد و طی دوران اسلامی بیشتر مردم آذربایجان همواره به اسلام وفادار ماندند و دوستدار اهل بیت بودند.

منابع

- ابن الاثیر (١٣٨٤ق) **أُسد الغابه فی معرفه الصّحابه**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن ابی الحدید معتزلی (١٤٠٤ ق) **شرح نهج البلاغه**، قم: منشورات مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی.
- ابن سعد، محمد (بی‌تا) **الطبقات الکبری**، بیروت: دار صادر.
- ابن شَبّه (١٤١٠ق) **تاریخ مدینه المنوره**،تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (١٣٦٤) **مسالک و ممالک**، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن اعثم کوفی (بی‌تا) **الفتوح**، بیروت: دارالندوه الجدیده.
- ابن هشام (١٣٧٥ق) **السیره النّبویه**، تحقیق مصطفی السّقا و دیگران، مصر: مطبعه مصطفی البابی الحلبی.

- اصفهانی، ابوالفرج (۱٤۰۸ق) **مقاتل الطالبیین**، تحقیق احمد صقر، بیروت: منشور الاعلمی للمطبوعات.
- اصفهانی، ابـونُعَیم (۱٤۱۰ق) **ذکـر اخبـار اصـفهان**، تحقیـق سـید حسـن کسـروی، بیـروت: دارالکتـب العلمیه.
- بغدادی، احمد بن علی (۱۹۳۱م) **تاریخ بغداد**، قاهره: مطبعه القاهره، جلد اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸ ق) **فتـوح البلـدان**، تحقیق رضوان محمد رضوان، بیروت: دارالکتب.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمـد (۱٤۰۷ ق) **الغارات**، تحقیق سید عبد الزهراءالحسینی، بیـروت: دارالاضواء.
- جوهری، ابوبکر عبدالعزیز (بی تا) **السقیفه و فـدک**، روایه ابن ابی الحدید، تحقیق محمـد هـادی امینـی، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- خلیفه بن خیّاط العَصْفَری (۱٤۱٤ ق) **تاریخ**، تحقیـق سهیل زکّار، بیروت: دارالفکر.
حدود العـالم مـن المشـرق الـی المغـرب (مجهـول المولف) (۱۳٦۲) به کوشش منوچهر ستوده، تهـران: کتابخانه طهوری.
- حمـوی، یـاقوت (بـی‌تـا) **معجـم البلـدان**، بیـروت: دارصادر.
- دینوری، ابوحنیفـه (۱۳٦٤) **الاخبار الطِّـوال**، ترجمـه احمد مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- ذهبی، شمس الدین احمد (۱٤۱٤ق) **تاریخ الاسـلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: درالکتب.
- زریـاب خـوئی، عبـاس (۱۳٥٤) **دانشـنامه ایـران و اسلام**، جلد اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳٦٤) **تاریخ مردم ایـران قبل از اسلام**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- **شهرسـتان هـای ایرانشـهر**(۱۳۸۸) متـرجم تـورج دریایی، شهرام جلیلیان، تهران: انتشارات توس.
- طبری، محمد بـن جریـر (بـی تـا) **تـاریخ الطبـری**، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسـن (۱٤۱٥ق) **رجـال**، تحقیـق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- طوسی، محمـد بـن حسـن (۱۳۸۲) **رجـال کَشّـی**، تحقیق محمد تقی فاضل میبـدی و سـید ابوالفضـل موسویان، تهران: سازمان انتشـارات وزارت فرهنـگ و ارشاد اسلامی.
- طه حسین (۱۳٦۳) **الفتنه الکبری**، ترجمه سید جعفـر شهیدی، تهران، انتشارات علمی.
- علی بن ابی طالب (ع) (۱۳۷۹) **نهج البلاغه**، ترجمـه و تصحیح محمد دشتی، قم: انتشارات مشرفین.
- عَسْقلانی، ابن حجر (۱۳۲۸ق) **الاصـابه فـی تمییـز الصحابه**،بیروت :دار احیائ التراث العربی.
- عسـکری، سـید مرتضـی (۱۳٦۲) **یکصـد و پنجـاه صحابی ساختگی**، ترجمه عطا محمـد سـردار نیـا، تهران: مجمع علمی اسلامی.
- قزوینی، محمد (۱٤۱۳ق) **امام عسکری مـن المهـد الی اللحد**، قم: مکتبه بصیرتی.
- کریسـتن سـن، آرتـور (۱۳٦۷) **ایـران در زمـان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمـد (۱۳۳٥) **شـهریاران گمنـام**، تهـران: موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.
- لسترنج، گای (۱۳۷۳) **جغرافیای تـاریخی سـرزمین های خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهـران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لوئیس، برنـارد (۱۳۷۰) **بنیادهای کیش اسـماعیلیان**، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات ویسمن.

- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲) **نزهه القلوب**، تصحیح گای لسترنج، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- مسعودی، ابوالحسن (بی تا) **مروج الذهب**، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه.
- مسعودی، ابوالحسن (۱۳۶۵) **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، شمس الدین (۱۹۰۶م) **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**، لیدن: مطبعه بریل.
- واقدی، محمد بن عمر (بی تا) **فتوح الشام**، بیروت: دارالجیل.
- -------- (۱۴۰۹) **المغازی**، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۵۶) **تاریخ**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳) **ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی**، ترجمه مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.

نقشه ۱- ایالت آذربایجان

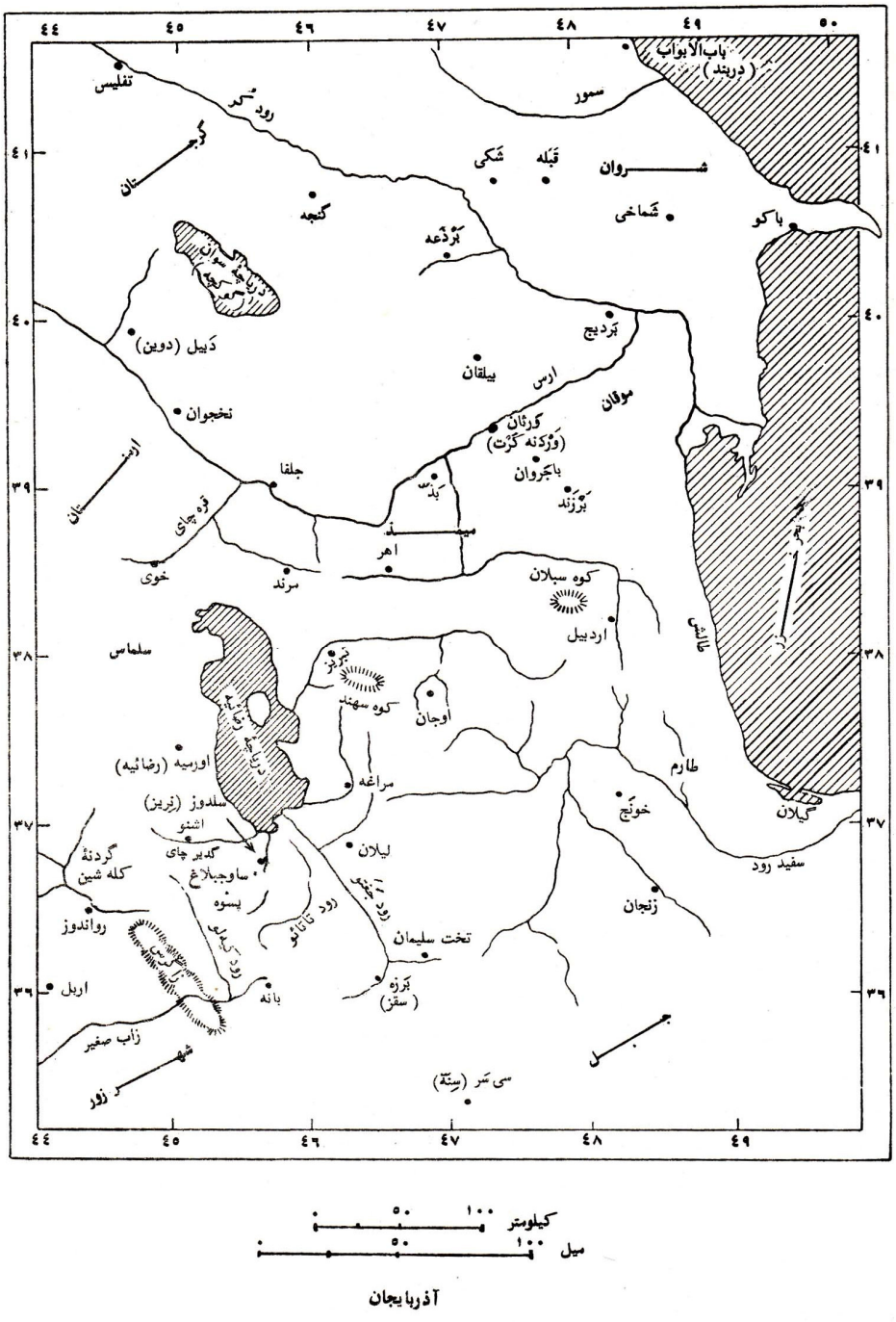

مأخذ: دانشنامه ایران و اسلام، جلد اول، ص ۴۹
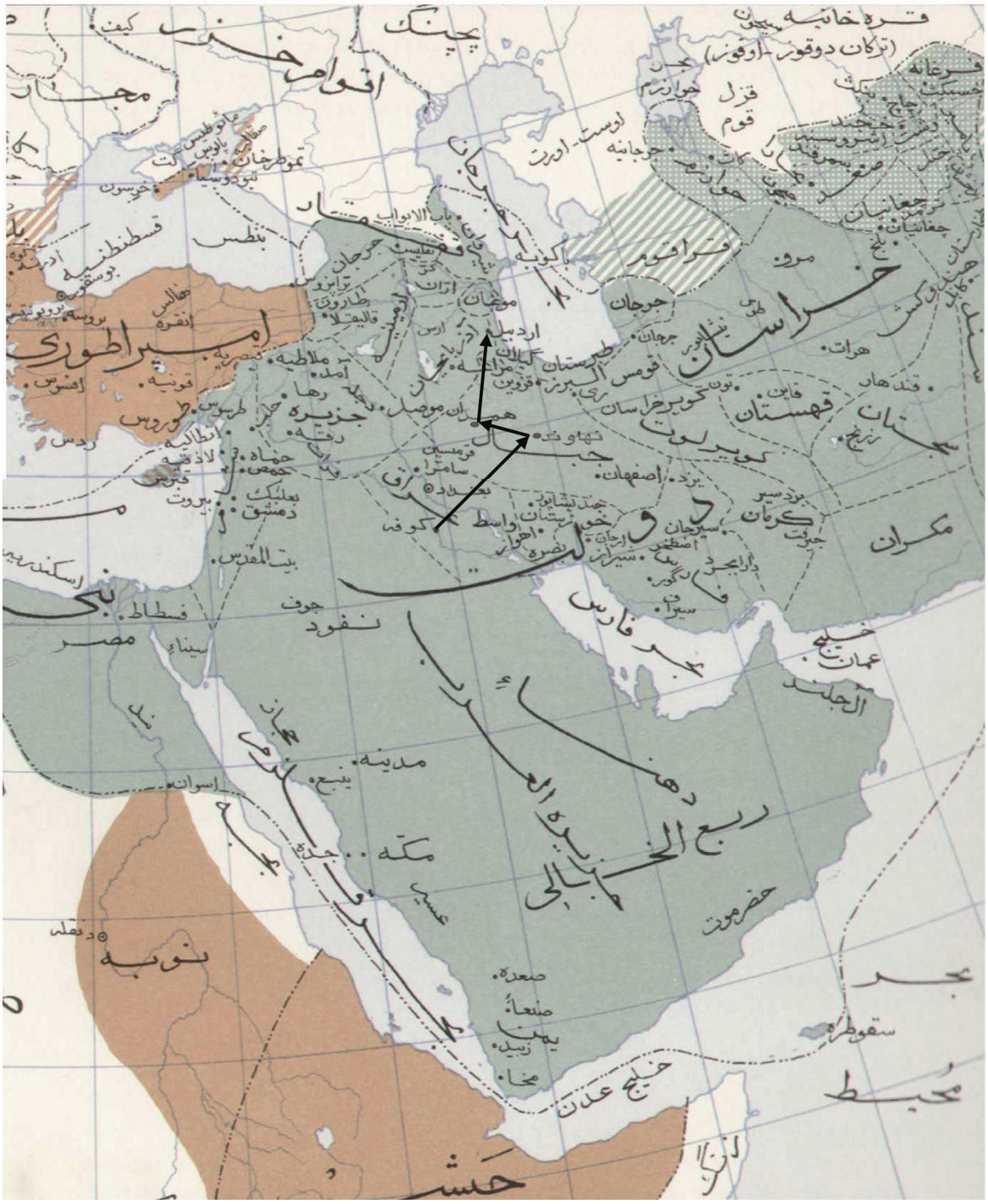
نقشه ۲- مسیر فتوحات مسلمانان به آذربایجان